

ناترازی در بانک ها و راهکارهای برون رفت از آن

سید رامین موسوی^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۸/۱۸

چکیده

یکی از مهمترین زیرسیستم های هر نظام اقتصادی، نظام پولی و بانکی است که تأثیرات شدیدی بر کل نظام اقتصادی دارد و همچنین از سایر اجزای نظام اقتصادی نیز تأثیر می پذیرد و می توان موجب بی ثباتی اقتصاد کلان کشور شود از این رو دلیل بررسی تحولات این زیرسیستم به صورت دوره ای ضروری به نظر می رسد. نکته قابل توجه درخصوص ارتباط وضعیت بانک ها با بی ثباتی اقتصاد کلان کشور این است که وجود بانک های ناتراز عملاً ماندگاری رشد نقدینگی در سطحی بالاتر از میزان متوسط را به اقتصاد کشور تحمیل می کند و روشن است که رشد نقدینگی بالاتر در بلندمدت به تورم بالاتری منتهی خواهد شد. بنابراین بخشی از راهکار و حل مسئله کنترل تورم، حل و فصل بانک های شدیداً ناسالم و چاره اندیشی ناترازی بانک هاست. از جمله راهکارهای برون رفت از ناترازی بانک ها توجه به سیاست هایی نظیر اصلاح شجاعانه ساختار مدیریتی، بهبود شرایط حاکمیت شرکتی توسط بانک ها، مدیریت کسری بودجه توسط دولت و بهبود نظارت بر بانک ها توسط بانک مرکزی است.

واژگان کلیدی

ناترازی، نظام بانکداری.

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد مبارکه، اصفهان، ایران. (* نویسنده مسئول: Raminmousavi1990119@gmail.com)

۱. مقدمه

بخش بانکی به طور مستقیم نقش مهمی در توسعه اقتصادی یک کشور ایفا می‌کند و بر ثبات مالی و رشد اقتصادی تاثیر می‌گذارد. با این حال، بحران ناشی از ناترازی در بخش بانکی می‌تواند منجر به رکود اقتصادی و اختلالات شدید شود. بنابراین تشخیص و مدیریت به موقع این بحران در بانک‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است (کریستوف و ویراگ^۱، ۲۰۲۲). اهمیت بحران ناترازی در نظام بانکی برای کشوری مانند ایران که از نظام مالی بانک محور برخوردار است و کاستی‌ها و ناکارآمدی‌های سیستم بانکی به طور مستقیم و غیرمستقیم بر روند متغیرهای خرد و کلان اقتصادی تاثیر می‌گذارد، اهمیت دوچندان دارد (عبداللهی پور و بت شکن^۲، ۲۰۲۰). ناترازی و انباشت ریسک در شبکه بانکی را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین بحران‌ها بی‌ثباتی کلان اقتصاد ایران معرفی کرد که در دو دهه گذشته مسائلی مانند انحراف اعتبارات از تولید به دیگر فعالیت‌های نامولد، کاهش ارزش پول ملی، تورم و بیثباتی مالی را در پی داشته است. مقصود از ناترازی این است که ارزش واقعی مجموع دارایی‌های نظام بانکی از مجموع تعهدات بانک‌ها به سپرده‌گذاران کمتر است. براساس تعریف کمیته استانداردهای حسابداری مالی ارزش دارایی‌های مالی بانک براساس جریان نقد ورودی تعدیل شده آن دارایی محاسبه می‌شود؛ بنابراین مفهوم اینکه ارزش دارایی‌های یک بانک کمتر از میزان سپرده‌های آن بانک است، این است که دارایی‌های بانک جریان نقد ورودی برای بانک تولید نمی‌کنند. ارزش دارایی‌های مالی باید متناظر با جریان نقدی که تولید می‌کنند تعدیل شود. اگر جریان نقد یک دارایی مالی افت کند، اما ارزش دارایی در صورت‌های مالی بانک به صورت متناسب کاهش نیابد، یا زیان حاصل از کاهش ارزش دارایی‌ها جبران نشود ناترازی رخ می‌دهد (چنارانی و همکاران، ۱۴۰۲).

واکاوی وضعیت شبکه بانکی در محورهای مختلف نیز نشان داد اهم مخاطرات کشور در حوزه بانکی به شرح زیر هستند (عبادی و همکاران، ۱۴۰۲):

۱) وجود برخی بانک‌های شدیداً ناترازی با مختصات زیر:

- حساب سرمایه به شدت منفی و زیان انباشته بسیار بالا

- نسبت مطالبات غیرجاری بالاتر از حتی ۵۰ درصد

- وابستگی شدید جریان وجوه نقد به بازار بین بانکی و بانک مرکزی (اضافه برداشت)

- تداوم چرخه زیاندهی در طول سال

۲) تأمین مالی اشخاص وابسته به بانک‌ها که به تنگنای اعتباری و اختلال در نظام رقابتی بخش حقیقی اقتصاد منجر می‌شود.

۳) بدهی غیرنقدشونده دولت به بانک‌های خصوصی شده و دولتی.

به طور کلی ریشه‌های ناترازی را می‌توان در قالب دو عامل اصلی معرفی نمود. عامل اول، عدم نظارت دقیق سهامداران بانک‌ها است. با توجه به اینکه مدیران بانک‌ها باید به سهامداران بانک سود برسانند، برای جلوگیری از روشن شدن اثرات سوءمدیریت بر ترازنامه بانک‌ها، بخش قابلت وجهی از زیان را پنهان می‌کنند. سهامداران نیز بعد از منتفع شدن از سود سهام دیگر به دنبال نظارت بر رفتار مدیران بانک نیستند. عامل دوم قراردادهای مدیریتی است. نحوه محاسبه و

¹. Kristóf & Virág

². Abdollahpour & BotSheken

توزیع پاداش و دستمزد مدیران ارشد بانک ها عاملی است که به این مدیران این انگیزه را می دهد تا با پنهان کردن زیان بانک ناترازی را انباشت کنند (فلانگن^۱، ۲۰۱۹). بالاتر و همکاران^۲ (۲۰۱۹) با بررسی داده ها منتشر شده از بانک های ضعیف اتحادیه اروپا به این نتیجه دست یافتند که بانک های ضعیف در هنگام مواجهه با ناترازی تمایل دارند تا با گزارشگری ناصحیح زیان تسهیلات اعطا شده به اشخاص مرتبط، اعتبارات بانکی را به سمت این گروه از شرکت ها هدایت کنند که این مسأله باعث افت بهره وری تولید می گردد. هان و همکاران^۳ (۲۰۲۰) قدرت پیش بینی متغیرهای ترازنامه بانکی را برای بحران های بانکی آینده بررسی کردند. نتایج نشان می دهد که سطوح پایین دارایی های نقد و بدهی های مالی داخلی، سطوح بالای بدهی های خارجی و افزایش اهرم مالی بالا، شاخص های اصلی ناترازی بانکی هستند.

با این تفاسیر چالش های اصلی فراروی مدیریت بانک ها و مؤسسات اعتباری بانکی و غیربانکی در سال های اخیر را می توان در فضای کسب و کار بانکی، رقابت و توسعه مدل های فعالیت بانک، مدیریت نظامات، توسعه سیستم ها و زیرساخت ها، توسعه منابع انسانی، کارآمدسازی دارایی ها و تجهیز بهینه منابع، حکمرانی کارآمد مدیریت ریسک و تطبیق، تداوم بلندمدت سودآوری، توسعه عملکرد (اثربخشی، کارایی و صرفه اقتصادی) و درنهایت ثبات و سلامت مالی بانک ها دسته بندی کرد. ولی نقش مخرب و تصمیمات نادرست، بعضی ارتباطات ناسالم بانک ها با برخی شرکت ها و هلدینگ های نیمه رسمی و در برخی مواقع بی کفایتی اقدامات بانک مرکزی ایران در مقررات گذاری و نظارت بر بانک ها موجب ایجاد ناترازی در سیستم بانکداری در ایران شده است. با توجه به اهمیت نقش نظام بانکی در اقتصاد ایران و ارتباط متقابلی که با بخش های اصلی اقتصاد دارد و می تواند منجر به انتقال شوک های مختلف برکارگزاران مختلف اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی شود. در این پژوهش به بررسی ناترازی در بانک ها و راهکارهای برون رفت از آن پرداخته می شود.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

بی تردید وجود نظام مالی یکپارچه و منسجم منجر به توسعه اقتصادی کشور می گردد و چنانچه نظام مالی دچار بحران و ناترازی شود، رشد و توسعه اقتصادی آن کشور تضعیف می گردد. توجه به این نکته حائز اهمیت است که احتمال دارد یک بانک خاص در اثر ریسک های مختلف مانند ریسک نقدینگی دچار بحران شود و تا مرز ورشکستگی حرکت نماید تا این لحظه هیچ تهدیدی برای دیگر بانک ها وجود ندارد، اما در یک بحران بانکی سیستمی، شرکت ها و بخش های مالی با تعداد قابل توجهی مطالبات غیرجاری لاوصول روبرو شده و مؤسسات مالی و بنگاه ها در بازپرداخت بدهی های خود با مشکل مواجه می شوند. بحران های بانکی معمولاً از هجوم سپرده گذاران برای دریافت پول از بانک ها، زیان انباشته و ورشکستگی بانک ها و یا مداخلات دولت در رویارویی با زیان شبکه بانکی ناشی می گردد و بنابراین بانک ها با ناترازی مواجه می شوند (سادات حسینی، ۱۴۰۳). ناترازی بانک ها ممکن است ناشی از ناترازی ترازنامه، شکاف درآمد-هزینه و یا ناترازی منابع - مصارف باشد. ناترازی ترازنامه همان عدم تعادل میان بدهی ها و دارایی های بانک بوده که ممکن است در اثر رشد فزاینده بدهی ها و کاهش ارزش دارایی ها اتفاق بیفتد. در این شرایط مابه التفاوت بدهی بانک ها

^۱. Flanagan

^۲. Blattner et al

^۳. Haan

از دارایی آنها بیشتر از ارزش سرمایه بانک می‌گردد. در چنین وضعیتی سرمایه بانک منفی می‌گردد و توانایی جذب این حجم از زیان را ندارد و در شرایط ضعف نظارت‌های درونی و بیرونی به دلیل عدم شفافیت، بانک‌ها این مشکل را از طریق ساختن دارایی‌های موهومی پنهان می‌نمایند. یکی از متداول‌ترین روش‌ها، استمهال مطالبات معوق یا غیر قابل وصول است. افزایش مطالبات غیرجاری منجمدشده، یکی از علل عمده کاهش ارزش دارایی‌های بانک می‌باشد. از طرفی فضای رقابتی ناسالم بین بانک‌ها از طریق افزایش نرخ سود بانکی منجر به افزایش ارزش بدهی‌ها می‌گردد و در نهایت منتج به ناترازی دارایی- بدهی می‌شود. ناترازی درآمد- هزینه در اثر افزایش هزینه سود سپرده‌های مشتریان و ذخایر مطالبات غیرجاری و ازسوی دیگر کاهش درآمد تسهیلات اعطایی و بازده سرمایه‌گذاری بوجود می‌آید. در نهایت ناترازی منابع- مصارف ناشی از شکاف جریان نقدی بین سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی می‌باشد. در صنعت بانکداری و در محیط رقابتی کنونی، بسیاری از مسئولان و مدیران بانکی برای کشف راه‌هایی برای بهبود عملکرد و برون‌رفت از ناترازی بانک تلاش می‌نمایند. علاوه بر عوامل درونزا، عوامل برونزایی مانند نرخ تورم، نرخ ارز و سیاست‌های پولی و مالی بانک مرکزی و دولت بر ناترازی بانک‌ها اثرگذار است (پورجمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲). از این رو شناسایی ناترازی در بانک‌ها و راهکارهای برون رفت از آن حائز اهمیت است. لذا هدف این پژوهش بررسی ناترازی در بانک‌ها و راهکارهای برون رفت از آن می‌باشد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

بیتر^۱ (۲۰۲۴) در پژوهشی به بررسی پیامدهای ارزشهای دیجیتال بانک مرکزی بهره‌بردار بر ناترازی بانکی در یک مدل مدیریت بانکی پویا با یک شتاب‌دهنده مالی پرداخت. تجزیه و تحلیل بین ورشکستگی بانک‌ها به دلیل عدم نقدینگی و به دلیل ناترازی تمایز قائل می‌شود. در یک تمرین عددی، ارزشهای دیجیتال بانک مرکزی منجر به کاهش ارزش خالص بانک‌ها در زمان‌های عادی می‌شود، اما ریسک اداره بانک در مواقع بحران را کاهش می‌دهد. پیامدهای ثبات مالی همچنین به نحوه محاسبه ارزشهای دیجیتال بانک مرکزی در سمت دارایی ترازنامه بانک مرکزی بستگی دارد؛ اگر انتشار ارزشهای دیجیتال بانک مرکزی با خرید دارایی تکمیل شود، شروع هر دو نوع ورشکستگی بانک را به شوک‌های بزرگتر به تأخیر می‌اندازد. در مقابل، اگر صدور با وام به بانک‌ها تکمیل شود، به طور قابل توجهی از ورشکستگی ناشی از عدم نقدینگی جلوگیری می‌کند، اما فقط به میزان اندکی بر ورشکستگی بانک‌ها به دلیل ناترازی تأثیر می‌گذارد.

بلخیر و همکاران^۲ (۲۰۲۲) با استفاده از نمونه‌ای که بازارهای نوظهور و اقتصادهای پیشرفته، تأثیر سیاست‌های احتیاطی کلان را بر بر بحران‌های بانکی بررسی کردند. نتایج نشان داد در حالی که سیاست‌های احتیاطی کلان یک اثر تثبیت‌کننده مستقیم دارند، آنها همچنین یک اثر بی‌ثبات‌کننده غیرمستقیم نیز دارند که از طریق کاهش رشد اقتصادی عمل می‌کند. به نظر می‌رسد که اثرات کاهش دهنده سیاست‌های احتیاطی کلان بر احتمال وقوع بحران‌های بانکی به ویژه ناترازی بانکی در اقتصادهای بازار در حال ظهور نسبت به اقتصادهای پیشرفته بارزتر است.

دانگ و هیون^۳ (۲۰۲۲) به بررسی اثرات ساختار تأمین مالی بانک و قدرت بازار بر کانال خلق نقدینگی بانکی در یک بازار نو ظهور و میزان انتقال سیاست‌های پولی پرداخته‌اند و نتایج این پژوهش حاکی از آن است که پس از اینکه بانک

¹. Bitter

². Belkhir et al

³. Dang & Huynh

مرکزی سیاست-های پولی خود را از طریق کاهش نرخهای بهره سیاستی یا تزریق پول به بازار تعدیل می کند، بانکها ممکن است خلق نقدینگی را با شدت بیشتری گسترش دهند. تجزیه و تحلیل بیشتر نشان می دهد که همه بانکها به طور یکسان تحت تأثیر تغییرات سیاست پولی قرار نمی گیرند. در مرحله اول، قدرت بازار بیشتر انتقال سیاست پولی را از طریق کانالهای خلق نقدینگی بانکی تضعیف می کند. در مرحله دوم، بانکهایی که اتکای کمتری به سپردههای مشتریان دارند یا مدل های تأمین مالی متنوع تری دارند، ممکن است در حین خلق نقدینگی، حساسیت کمتری نسبت به سیاست پولی داشته باشند.

سادات حسینی (۱۴۰۳) به بررسی آثار ناترازی درآمد- هزینه بر بهره وری شعب بانک سپه در شهرستان تبریز پرداخت. نتایج این مطالعه بیانگر این است که کاراترین یا اثربخش ترین شعب لزوماً از نظر بهره وری در وضعیت مناسبی قرار ندارند. به عبارتی، کارا بودن شعب الزاماً به معنای بهره ور بودن آنها نیست. درحالی که بهره ورترین شعب بانک قطعاً در سطح بالایی از کارایی و اثربخشی فعالیت می نمایند. از طرفی بین ناترازی درآمد- هزینه های شعب و بهره وری آنها رابطه معکوس وجود دارد.

چنارانی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی ضمن تبیین بحران ناترازی در نظام بانکی کشور با استفاده از تحلیل داده های صورت های مالی بانک ها، الگویی برای محاسبه حجم ناترازی نظام بانکی در کشور و برآورد میزان حدودی دارایی های موهومی نظام بانکی کشور مورد بررسی قرار گرفت. در چارچوب یک مدل تعادل عمومی پویای تصادفی، آثار بحران بانکی ناترازی، و شوک ناترازی نظام بانکی و آثار آن بر متغیرهای کلان اقتصاد بررسی شد. نتایج برآورد مدل نشان دهنده افت تولید و رشد اقتصادی و افزایش نوسانات اقتصادی در اثر بحران بانکی ناترازی است. کاهش تشکیل سرمایه، افزایش تورم و افزایش هزینه دستمزد و هزینه سرمایه بنگاه باعث افت تولید و رشد اقتصادی می شود.

پورجمشیدی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به برآورد تأثیر ناترازی بانکها بر تورم در ایران پرداختند. در این پژوهش از داده های آماری سال های ۱۴۰۰-۱۳۷۰ استفاده شده و مدل مورد استفاده، رگرسیون کوانتایل می باشد. نتایج پژوهش نشان می دهد، که با افزایش نرخ رشد بدهی بانکها به بانک مرکزی، نرخ رشد بدهی دولت به بانک مرکزی و نرخ ارز در چنдек های بالا و پایین، تورم افزایش می یابد، و همچنین نرخ رشد شکاف تولید و باز بودن بازار مالی تأثیر منفی و معناداری بر تورم دارد.

۳. ناترازی بانکی

در بیان مفهوم ناترازی بانکی می توان بیان کرد ناترازی ترازنامه بانکی به مفهوم حسابداری آن نیست، زیرا از نقطه نظر حسابداری، ترازنامه بانکها همیشه تراز هستند. بنابراین مفهوم ناترازی بانکها به مفهوم اقتصادی و مالی آن اشاره دارد نه مفهوم حسابداری. چنانچه کیفیت دارایی های بانکها مطلوب نباشد و همچنین سرعت نقدشوندگی پایینی داشته باشند به گونه ای که در شرایط نیاز نتوان از آنها برای تأمین نیازهای نقد استفاده کرد، بانک با مشکل ناترازی مواجه خواهد شد. بنابراین یک بانک یا موسسه مالی چنانچه وجوه کافی و با سهولت و هزینه منطقی برای تأمین نقدینگی آنی، کوتاه- مدت و بلندمدت خود نداشته باشد، نخستین علامت و نشانه از وضعیت بحرانی ناترازی آن بانک یا موسسه مالی است (شیرجیان و همکاران، ۱۴۰۲). بنابراین ناترازی نظام بانکی در دو طبقه ناترازی ترازنامه ای و ناترازی نقدینگی طبقه بندی می شود. درباره ناترازی ترازنامه ای، عامل اصلی شکل گیری آن شکاف بزرگ بین ارزش دارایی و بدهی بانکی است و ناترازی نقدینگی به معنای ناتوانی بانک در پرداخت سپرده ها در اثر هجوم سپرده گذاران است. از این رو، معضلات نظام

بانکی شامل ناترازی ترازنامه، شکاف درآمد - هزینه و ناترازی نقدی است. روشن است که دلیل ناترازی ترازنامه، کاهش ارزش دارایی‌های بانکی و رشد فزاینده بدهی‌ها است. کاهش ارزش دارایی‌های بانکی در مطالبات معوق و لاوصول نظام بانکی، تقسیط و امهال مطالبات بی کیفیت، واردنشدن جریان نقدی ناشی از سود حاصل از تسهیلات، بیش‌نمایی وثایق و آثار رکود مستغلات بر فرآیند تملیک و فروش آن، دارایی‌های منجمد و دارایی‌های موهومی و سوخت‌شده ریشه دارد (عبداللهی پور و بت شکن، ۲۰۲۰). مهم‌ترین عامل کاهش ارزش دارایی‌های بانکی، مطالبات معوق و لاوصول نظام بانکی است که عمده‌ترین دلایل ایجاد آن شرایط رکود حاکم بر کسب و کارها، آثار تحریم‌ها و نوسان‌های شدید ارزی، بازپرداخت‌نشدن مطالبات پیمانکاران دولت، رعایت‌نکردن بهداشت اعتباری و کلاهبرداران بانکی است. عمده‌ترین دلایل رشد فزاینده بدهی‌ها نیز ممکن است کاهش نیافتن نرخ سود سپرده‌ها متناظر با نرخ تورم، رقابت مخرب بانک‌ها، فعالیت مؤسسات غیرمجاز، انتشار اوراق مشارکت دولتی و بانک مرکزی با نرخ‌های بالا و نرخ بالای سود اسناد خزانه دولت باشد (مزارعی^۱، ۲۰۱۹). به طور کلی ناترازی چهار جزء اصلی دارد که شامل موارد زیر است:

۱) تسهیلات غیرجاری اشخاص غیردولتی: مجموع سه سرفصل مطالبات سررسید گذشته، معوق و مشکوک‌الوصول قبل از کسر ذخایر عمومی و اختصاصی مطالبات مشکوک‌الوصول.

۲) تسهیلات امهالی اشخاص غیر دولتی: مابه تفاوت سرفصل «تسهیلات با سررسید ۹۷ و قبل از آن» و مطالبات غیرجاری اشخاص غیردولتی.

۳) زیان انباشته: سرفصل زیان انباشته در حقوق صاحبان سهام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری.

۴) مطالبات موهومی از دولت: تفاوت مقدار ادعایی بانک از مطالبات دولت با مقدار مورد تأیید سازمان حسابرسی. علت اینکه زیان انباشته به عنوان یکی از اجزای ناترازی ذکر شده است، این است که زیان انباشته در اصل زیان ناشی از عملکرد منفی آن بخشی دارایی‌هایی است که به درستی شناسایی شده است و باید توسط منابع داخلی بانک جبران شود. نکته لازم به ذکر این است که ناترازی در این گزارش به صورت ناخالص محاسبه می‌شود، به این معنی که ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول و اندوخته‌های موجود در حقوق صاحبان سهام از عدد ناترازی کسر نمی‌شوند. دلیل محاسبه ناخالص ناترازی این است که در موقع تلفیق عدد ناترازی بانک‌ها برای کل نظام بانکی نمی‌توان مجموع ذخایر و اندوخته‌ها را از مجموع عدد ناترازی کسر کرد؛ زیرا به غیر از راه حل ادغام، بانک‌هایی که دچار ناترازی شدید هستند در عمل با مازاد بانک‌های سالم جمع نمی‌شوند (سادات حسینی، ۱۴۰۳). ناترازی بانکی به صورت منشأ زیان‌های کلان، دارایی‌های ترازنامه بانک‌ها نیز معرفی شده‌اند. این زیان‌ها عموماً زوال‌های پی‌درپی در کیفیت دارایی‌های بانک را به دنبال دارد. بیشتر این تئوری‌ها ناترازی بانکی را یک مفهوم طبیعی ناشی از چرخه‌های تجاری تعریف می‌کنند که در حقیقت تمایل به بزرگنمایی در چرخه‌های اقتصادی را دارند. این تمایل به بزرگنمایی در چرخه‌های اقتصادی سیستم‌های مالی را به شدت شکننده و آسیب پذیر نسبت به بحران‌ها می‌سازد (دانگ و هیونه، ۲۰۲۲).

۴. عوامل مؤثر بر ناترازی بانکی

پدیده ناترازی بانک‌ها به موضوع اقتصادی و مالی آنها اشاره دارد. به این معنا که اگر کیفیت دارایی‌های بانک‌ها مناسب نباشد، بانک‌ها با مشکل ناترازی مواجه شده و این امر مشکلات اساسی را با افزایش تورم برای اقتصاد کشور به همراه

¹. Mazarei

خواهد داشت بعبارتی دیگر در حالت کلی منظور از ناترازی در یک اقتصاد آن است که عاملان اقتصادی شامل اشخاص حقیقی، بنگاهها، نهادهای مالی و دولت برای دوره‌های قابلتوجه تعهداتی فراتر از رشد حقیقی اقتصاد و فراتر از رشد منابع حقیقی خود ایجاد کنند. زمانی که بانک‌ها در مدیریت دارایی و بدهی دچار ناترازی می‌شوند به این معنا است که رشد دارایی‌های آنها کمتر از نرخ سود سپرده‌ها است که در نظام پرداختی اصطلاحاً از آن تحت عنوان نرخ رشد بدهی‌ها نام می‌برند. وقتی درآمدها کمتر از نرخ رشد بدهی‌ها باشد، بانک‌ها در حقیقت رفته رفته دچار مشکل ناتوانی یا تنگنای مالی در بازپرداخت سپرده‌های سرمایه‌گذار می‌شود که در نهایت هم چنانچه به شکل حادی درآید، قطعاً سپرده‌گذاران برای بازپسگیری سپرده خود به بانک هجوم می‌برند و از آنجا که معمولاً بانک‌ها تسهیلات را به صورت بلندمدت پرداخت می‌کند و سپرده‌ها هم عندالمطالبه است، مشکل در این زمان پیش می‌آید که ریسک سپرده‌گذاری می‌تواند به کل شبکه بانکی سرایت کند سپرده‌گذاران چنانچه به طور ناگهانی سپرده خود را مطالبه کنند، بانک‌های مورد اشاره وجه نقد یا منابع در اختیار ندارد که این کار را عملی سازند زیرا که حسب وظیفه خود باید این منابع را در امر اعطای تسهیلات مطرح می‌کردند و تفاوت سرسیدی این سپرده‌ها که در مطالبه وجود دارد و تسهیلات که معمولاً بلند مدت و حداکثر ۵ ساله در نظر گرفته می‌شود، وجود ندارد، بر همین اساس ترس در بین سپرده‌گذاران دو چندان می‌شود و منجر به این خواهد شد که مسائل اجتماعی و اقتصادی پی در پی برای کشور پیش آید و هر یک از بانک‌ها یکی پس از دیگری مورد هجوم سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود قرار گیرد چندانکه عامل بر ناترازی بانک‌ها موثر واقع می‌شود که در ادامه این عوامل بیان می‌گردد (حسینی و حسینی، ۱۴۰۲).

۴-۱. عدم استقلال بانک مرکزی

استقلال بانک مرکزی به مفهوم جدایی سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی در نظام اقتصادی کشور است، که بانک مرکزی را از ناحیه تسلط مطلق دولت رها می‌کند در نتیجه، دولت نمی‌تواند به میل خود و به هر میزانی که تشخیص می‌دهد، به استقراض از بانک مرکزی و انتشار پول به منظور تأمین کسری بودجه روی آورد (شعبانی فرد و سید موسوی، ۱۴۰۲). در یک نظام بانکی سالم، بانک مرکزی هدف اصلی سیاست پولی را کنترل تورم در سطح پایین و ثبات آن در شرایط مختلف اقتصادی تعریف می‌کند. تسلط دولت بر بانک مرکزی باعث می‌شود این هدف تحت تأثیر اهداف سیاسی دولت‌ها قرار گیرد (پروین و همکاران، ۱۳۹۳). مطالعات تجربی کشورهای مختلف نشان می‌دهد که در کشورهای که بانک مرکزی استقلال پایبندی دارد، نرخ تورم بالاتر است و ارتباط بین عدم استقلال و تورم بال تقریباً ثابت شده است (امانی طهرانی و همکاران، ۱۳۹۹).

۴-۲. نرخ سود سپرده

با انباشت دارایی‌های موهوم و به تبع آن خلق سپرده‌های بیپشتوانه، که به مفهوم خلق نقدینگی است، بانک‌ها به دلیل افزایش فشار بالقوه جریان نقد خروجی و عدم وجود ساختار مناسب قراردادی جهت حفظ سپرده‌های غیردیداری و همچنین در رقابت با یکدیگر، با استفاده از اهرم افزایش نرخ سود، سعی می‌کنند که از خروج سپرده‌ها ممانعت به عمل آورند. گرچه نرخ سود تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد، اما بدون تردید تغییرات ترازنامه‌ای بانک‌ها و رقابت آنها برای جذب سپرده، یکی از مهمترین عوامل افزایش نرخ‌های سود به ویژه نرخ‌های سود حقیقی بوده است. بررسی روند نرخ‌های سود حقیقی نشان می‌دهد که در طول سال‌های اخیر، نرخ‌های سود حقیقی، بالاترین سطوح را تجربه کرده‌اند. نرخ سود بانکی در یک رابطه دو طرفه با ترازنامه نظام بانکی قرار دارد به نحوی که علاوه بر اثرات ترازنامه نظام بانکی

بر نرخ سود، نرخ سود بانکی یکی از مهمترین متغیرها در رفتار دارایی و بدهی در دو طرف ترازنامه نظام بانکی است. افزایش نرخ سود بانکی به سطحی فراتر از نرخ طبیعی آن، فرآیندی از کاهش کیفیت دارایی‌های نظام بانکی از یک سو و انبساط بدهی‌ها همراه با تغییر ترکیب بدهی‌های نظام بانکی را از سوی دیگر موجب می‌گردد. در واقع با افزایش نرخ سود به ارقامی بالاتر از نرخ سود طبیعی، از مسیر سازوکارهای مختلف، روند انباشت دارایی‌های موهوم، تخریب ترازنامه نظام بانکی و به تبع آن جریان ناسالم خلق نقدینگی، تشدید می‌گردد (بدری و زمان زاده، ۱۳۹۷).

۴-۳. کسری بودجه دولت

انباره پایه پولی برابر مانده ترازنامه بانک مرکزی است. خالص دارایی‌های بانک مرکزی شامل پایه پولی است و به بیانی دیگر از طریق افزایش این اجزاء است که پایه پولی افزایش می‌یابد، که یکی از این اقلام کسری بودجه دولت است در کشورهایی که بانک مرکزی استقلال ندارد یا نظام مالیاتی بسیار ضعیف است، دولت از بانک مرکزی برای تأمین کسری بودجه‌های خود استقراض می‌کند و کسری خود را پولی می‌کند. اما در کشورهایی که بانک مرکزی استقلال دارد، بانک مذکور برای تنظیمات مطلوب پول و نقدینگی، اوراق قرضه دولتی در دست مردم را خریداری کرده یا می‌فروشد. لذا تغییر در مانده بدهی دولت به بانک مرکزی منعکس کننده تنظیمات مطلوب پولی توسط بانک مرکزی است (حسنی و حسینی، ۱۴۰۲). اگر کسری بودجه از طریق استقراض از نظام بانکی تأمین شود، این امر به دلیل افزایش نقدینگی و در پی آن افزایش تقاضای کل، آثار نامتناسب اقتصادی مانند تورم به همراه خواهد داشت. اگر کسری بودجه از طریق انتشار اوراق قرضه که به معنای افزایش تقاضای دولت برای اعتبار قابل دسترسی در جامعه است باشد، باعث افزایش نرخ بهره در جامعه شده و متعاقب آن سرمایه‌گذاری بخش خصوصی کاهش می‌یابد. البته این امر در کشورهایی که بازار اوراق قرضه پیشرفته‌ای دارند و دولت‌ها برای کسری بودجه خود از فروش اوراق قرضه استفاده می‌کنند بیشتر اتفاق می‌افتد. مکتب پولگرایان در این خصوص معتقداند که کسری بودجه دولت منجر به تورم می‌شود. بانک مرکزی به منظور در اختیار گرفتن نرخ بهره، بخشی از بدهی دولت را به پول مبدل می‌کند و باعث افزایش عرضه پول می‌شود و تورم بالا می‌رود (حاج امینی و همکاران، ۱۳۹۶). در کشورهای توسعه یافته، بودجه دولت عموماً یک ساختار درآمدی مبتنی بر مالیات و یک ساختار مخارجی انعطاف‌پذیر دارد به طوری که از کسری بودجه مزمن جلوگیری می‌کند. به علاوه، در این کشورها کسری‌های موقتی اغلب با استقراض از بازارهای مالی داخلی و خارجی تأمین می‌شود. بنابراین تا حد ممکن تأثیرگذاری وضعیت مالی دولت بر نقدینگی کاهش می‌یابد. اما در کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهای دارای منابع نفت ساختار بودجه از لحاظ درآمدی، پر نوسان و از لحاظ مخارجی، انعطاف‌ناپذیر است. این ساختار نامتناسب با ایجاد کسری بودجه‌های پی‌درپی موجب تمایل دولت‌ها به تسلط بر بخش پولی می‌شود، که همسازی بخش پولی با وضعیت مالی دولت و استفاده بی‌رویه از حق الضرب را به همراه دارد. لذا در کشورهای در حال توسعه، توجه ویژه به نقش بانک مرکزی در کنترل تورم کافی نیست، بلکه لازم است قدرت واکنش مثبت یا منفی نقدینگی به وضعیت مالی بودجه دولت نیز مورد ارزیابی قرار گیرد (پورجمشیدی و همکاران، ۱۴۰۲).

۴-۴. وجود حجمی عظیم از دارایی‌های موهوم و منجمد

در چنین شرایطی سیستم بانکی قدرت محدودی در اجابت تقاضاهای جدید برای دریافت وام و اعتبار خواهد داشت، چرا که بخش مهمی از قدرت اعتباردهی وی از حوزه بقای دارایی‌های موهومی و منجمد و تداوم دوره‌های تمدید و انتقال آن به دوره بعد، اشغال شده است. این موضوع را باید به اشتغال ظرفیت خلق پول بانک از محل پرداخت مستقیم بهره به

سپرده‌ها (در شرایطی که بانک واقعا معادل این بهره‌ها کسب درآمد نقدی نکرده است) افزود در این شرایط به سبب عدم تناسب بین بهره تسهیلات بانکی و عوامل بنیادی اقتصاد، ابعاد معضل دارایی موهومی به طور دائمی بزرگتر شده و بخش بیشتری از دارایی منجمد به موهومی تبدیل خواهد شد (عبداللهی پور و بت شکن، ۲۰۲۰).

۵. رابطه تورم و ناترازی بانک ها

تورم یک عامل کلیدی تعیین کننده اقتصاد کلان برای مطالبات غیرجاری است. برخی مطالعات تلاش کردند تا وجود اثر علیت بین تورم و ناترازی نکول بانکها را شناسایی کنند، اما اتفاق نظری حاصل نشد (گوش^۱، ۲۰۱۵؛ آموکاوا-منسا و همکاران^۲، ۲۰۱۷؛ گولاتی و همکاران^۳، ۲۰۱۹). یک رشته از ادبیات استدلال می کند که تورم بالاتر، سطح ناترازی بانکها را افزایش می دهد. به عنوان مثال، در تحقیقی که در اروپا انجام شد، رینالدی و سانچیس-آرلنو^۴ (۲۰۰۶) دریافتند که تورم بالاتر ارزش واقعی درآمد وام گیرندگان را از بین می برد که بر توانایی آنها برای بازپرداخت بدهی شان تأثیر منفی می گذارد که این موجر به افزایش ناترازی بانک ها می شود (گوش، ۲۰۱۵). کلاین^۵ (۲۰۱۳) یافته های فوق را در پژوهش خود تأیید می کند. او شواهدی را ارائه می دهد که در شرایط تورمی، وام گیرندگان برای پرداخت بدهی های خود به ویژه در مورد وام های با بهره متغیر با چالش بیشتری مواجه هستند. در مقابل، یک رشته متضاد از ادبیات رابطه منفی بین تورم و ناترازی بانک ها را گزارش می دهند (ماکری و همکاران^۶، ۲۰۱۴؛ انکوسو^۷، ۲۰۱۱). این مطالعات ادعا می کنند که تورم بالاتر ارزش بدهی های معوق را کاهش می دهد که ظرفیت بازپرداخت خانوارها و شرکت ها را بهبود می بخشد (انکوسو، ۲۰۱۱). در همین راستا، خمراج و پاشا (۲۰۰۹) بخش بانکداری گویانا را مورد بررسی قرار دادند و ارتباط منفی بین تورم و ناترازی بانک ها را آشکار ساختند. یافته های آنها توسط افزایش دستمزد نیروی کار به عنوان عامل افزایش تورم توضیح داده شد که امکان پایداری بازپرداخت ها را فراهم می کند. علاوه بر این، شواهد اخیر از بخش بانکداری هند تأیید می کند که در دوره های تورم، ناترازی بانک کاهش می یابد (گولاتی و همکاران، ۲۰۱۹).

۶. راهکارهای رفع ناترازی شبکه بانکی

به منظور جلوگیری از بروز ریسک سیستمی در شبکه بانکی کشور، راهکارهای موثر به منظور رفع ناترازی بانک ها و موسسات اعتباری به شرح موارد زیر قابل پیشنهاد است.

(۱) تعیین و تکلیف بانک ها و موسسات اعتباری دارای اضافه برداشت از بانک مرکزی

(الف) تعیین کمیته فرادستگاهی با محوریت بانک مرکزی به منظور رسیدگی به ناترازی شبکه بانکی

(ب) کیفیت دارایی ها بانک ها و موسسات اعتباری مورد ارزیابی قرار گرفته و شبکه بانکی به سه گروه سالم، قابل احیاء و غیر قابل احیاء دسته بندی شوند

(ج) اخذ برنامه اقدام و احیای بانک ها و موسسات اعتباری در صورت امکان

(۲) افزایش اقتدار بانک مرکزی به عنوان ناظر شبکه بانکی

1. Ghosh

2. Amuakwa-Mensah et al

3. Gulati et al

4. Rinaldi & Sanchis-Arellano

5. Klein

6. Makri et al

7. kusu

- الف) اصلاح و به روزرسانی قانون پولی و بانکی کشور و افزایش اقتدار بانک مرکزی
- ب) افزایش اختیارات بانک مرکزی و ضمانت اجرای مناسب در برخورد با بانک‌ها و موسسات اعتباری متخلف
- ج) تقویت نظارت بانک مرکزی بر شبکه بانکی باید از طریق استقرار نظارت با رویکرد نظارت مبتنی بر ریسک و توجه بیش از پیش به نقش واحدها و اداره ریسک در شبکه بانکی
- ۳) الزام بانک‌ها و موسسات اعتباری به واگذاری اموال مازاد و خروج از بنگاهداری
- الف) بازتعریف سازوکار حاکم بر نگهداری دارایی‌ها و اموال مازاد بانک‌ها و موسسات اعتباری با توجه به پیشرفت بانکداری الکترونیک
- ب) شناسایی دارایی‌های منجمد شبکه بانکی و اخذ برنامه اقدام برای واگذاری اموال مازاد بانک‌ها و موسسات اعتباری
- ج) تعیین کارگروه اجرایی در بانک مرکزی به منظور پیگیری فرآیند واگذاری اموال مازاد توسط شبکه بانکی کشور
- د) تسهیل فرآیند واگذاری اموال و املاک مازاد
- ۴) کاهش مطالبات غیرجاری بانک‌ها و موسسات اعتباری و تسریع فرآیند وصول مطالبات
- الف) تعیین و تکلیف بدهی دولت به بانک‌ها و موسسات اعتباری
- ب) پایش آیین‌نامه پیشگیری از انباشت مطالبات و آسیب شناسی دلایل عدم توفیق و اصلاح آن
- ج) استفاده ویژه از ظرفیت خبرگان بانکی در همکاری با دستگاه‌های قضایی کشور
- د) اتخاذ تدابیر ویژه جهت ارتقاء سهم درآمدهای غیر مشاع و کارمزدی در شبکه بانکی

۷. بحث و نتیجه‌گیری

یکی از مرسوم‌ترین بحران‌های اخیر در اقتصاد کشورهای جهان بحران بانکی با هزینه‌های قابل توجه است که کشورهای مختلف را با آن درگیر کرده است. به دلیل ضعف سایر نهادهای مالی در کشور، نظام بانکی به عنوان یکی از نهادهای اصلی در اقتصاد ایران دارای اهمیت و جایگاه ویژه‌ای می‌باشد؛ لذا چالش‌های آن هم آثار فراوانی بر اقتصاد دارد؛ به خصوص اگر دچار بحران ناترازی شده باشد اهمیت آن را دوچندان می‌کند. به دلیل ابعاد گسترده ناترازی در ترازنامه نظام بانکی اعمال هر گونه سیاست پولی بدون تقویت نظارت بانک مرکزی راهبردی شکست خورده است. توزیع ناترازی در نظام بانکی از حجم ناترازی مهمتر است. بخشی از ناترازی که در بانک‌های سالم تجمع شده است با ابزارهای نظارتی ساده‌تری قابل رفع است، اما ناترازی تجمع شده در ترازنامه بانک‌های ناسالم جزء با ابزارهای پیچیده و هزینه بر قابل حل نیست. با توجه به اثرات گسترده‌ای که بحران بانکی ناترازی بر کلان اقتصاد کشور دارد حل و فصل آن باید در اولویت فوری سیاست‌گذاران قرار گیرد. ادبیات مطالعه ناترازی بانکی، عمدتاً این پدیده را با عنوان زیان پنهان مدل سازی می‌کنند؛ زیرا ناترازی چیزی نیست جزء زیان‌هایی که به دلیل مختلف در عملیات بانکداری ایجاد شده است، اما با استفاده از تکنیک‌های حسابداری خلاقانه در صورت‌های مالی بانک پنهان شده است. عمده جزء ناترازی نظام بانکی در ایران مطالبات غیرجاری ناشی از قراردادهای تسهیلاتی است که به دلیل استمهال پیاپی، تهدید یا تقسیط مجدد شده و در طبقه جاری گزارش می‌شوند، در نتیجه زیان ناشی افزایش هزینه ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و قطع شناسایی درآمد از این تسهیلات در صورت سود و زیان بانک شناسایی نمی‌شوند و پنهان باقی می‌مانند؛ بنابراین بخش عمده ناترازی مطالبات غیرجاری است که در طبقه جاری گزارش شده است. با توجه به اهمیت نقش نظام بانکی در اقتصاد ایران و ارتباط متقابلی که با بخش‌های اصلی اقتصاد دارد و می‌تواند منجر به انتقال شوک‌های مختلف بر کارگزاران

مختلف اقتصادی و متغیرهای کلان اقتصادی شود. در این پژوهش به بررسی ناترازی در بانک ها و راهکارهای برون رفت از آن پرداخته شد. در دراز مدت، ضعف در نظارت داخلی و ساختار حاکمیت شرکتي ضعيف در بانک‌ها، ضعف در نظارت بیرونی و مداخلات با بانک‌های پر ریسک و همچنین کسری بودجه دولت و فشار بر بانک‌ها بیشترین تاثیر را در افزایش ناترازی بانک‌ها دارند. بنابراین توجه به سیاست‌هایی نظیر اصلاح شجاعانه ساختار مدیریتی، اعمال شفافیت در ترازنامه بانکها، پرهیز از امهال مطالبات و ذخیره گیری واقعی برای مطالبات غیر جاری، مقابله با شناسایی داراییها و سودهای موهومی، توقف شناسایی سود، وجه التزام بر روی مطالبات غیر جاری و جلوگیری از امهال و سایر اقداماتی که برای بهبود شرایط توسط صاحب نظران توصیه شده، بهبود شرایط حاکمیت شرکتي توسط بانک‌ها، مدیریت کسری بودجه توسط دولت و بهبود نظارت بر بانک‌ها توسط بانک مرکزی، بسیار راه گشا می‌باشد.

۸. منابع و مآخذ

۱. امانی طهرانی، مهدی؛ بهرامی بیدون، امیرسینا؛ شعراء، محمدحسین و نیک پور، علی. (۱۳۹۹). مهار تورم در ایران. *مجله اقتصادی*، دوه ۲۰، شوار ۱ و ۲، صص ۱۴۱-۱۷۵.
۲. بدری، احمد و زمان زاده، حمید. (۱۳۹۷). تحلیل آثار ناترازی ترازنامه نظام بانکی بر متغیرهای پولی راهکارهای تعدیل این ناترازی. *فصلنامه پژوهش های پولی - بانکی*، دوره ۱۰، شماره ۳۴، ۶۲۱-۶۵۶.
۳. پروین، سهیلا؛ ابراهیمی، ایلنار و احمدیان، اعظم. (۱۳۹۳). تحلیلی بر تأثیر شوک‌های ترازنامه‌ای نظام بانکی بر تولید و تورم در اقتصاد ایران (رویکرد تعادل عمومی پویای تصادفی). *پژوهشنامه اقتصادی*، دوره ۱۴، شماره ۵۲، صص ۱۴۹-۱۸۶.
۴. پورجمشیدی، ندا؛ سهیلی، کیومرث و فتاحی، شهرام. (۱۴۰۲). بررسی تاثیر کنترل ناترازی بانک‌ها بر تورم در ایران (رهیافت رگرسیون کواتایل). *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، دوره ۱۸، شماره ۳۷، صص ۹۳-۱۱۲.
۵. چنارانی، حسن؛ یآوری، کاظم؛ حیدری، حسن و شریف زاده، محمدجواد. (۱۴۰۲). اثر بحران بانکی (ناترازی) بر متغیرهای کلان اقتصادی در چارچوب مدل تعادل عمومی پویای تصادفی. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۱۲، شماره ۴۶، صص ۹-۳۸.
۶. حاج امینی، مهدی؛ احمدی شادمهری، محمدطاهر؛ فلاحي، محمدعلی و ناجی میدانی، علی اکبر. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر کسری بودجه و مالیات تورمی بر اجزای طرف تقاضا در اقتصاد ایران. *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*. دوده ۱۶، شماره ۴، صص ۵۷-۸۴.
۷. حسینی، سیدعباس و حسینی، زهراسادات. (۱۴۰۲). بررسی علل ناترازی بانک‌ها و پیامدهای تورمی آن و اقدامات اصلاحی مناسب برونرفت از آن. *فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۵۷-۷۸.
۸. سادات حسینی، نیلوفر. (۱۴۰۳). آثار ناترازی درآمد- هزینه بر بهره‌وری شعب بانک سپه در شهرستان تبریز. *فصلنامه مطالعاتی در مدیریت بانکی و بانکداری اسلامی*، دوره ۱۰، شماره ۲۶، صص ۱۸۶-۲۱۵.
۹. شعبانی فرد، علی و سید موسوی، میرسجاد. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی ساختارهای نظارت بر موسسات پولی و مالی در ایران. *مطالعات حقوقی*، شماره ۳۳، ۲۹۵-۳۰۹.

۱۰. عبادی، محمد حسین؛ حبیب الله پورزرشکی، مصطفی و خسروی، میثم. (۱۴۰۲). تحولات نظام پولی و بانکی در

سال ۱۴۰۰. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، صص ۱-۵۱

11. Abdullahpour, M. S., & BotSheken, M. H. (2020). Solutions for financial restructuring of banks in Iran. *Asset Management and Financing*, 8(4), 1-20 (in Persian).
12. Amuakwa-Mensah F., Marbuah G. and D. Ani-Asamoah Marbuah (2017). "Re-examining the determinants of Non-performing loans in Ghana's banking industry: Role of the 2007–2009 financial crisis". *Journal of African Business*, No.18, pp.357–379.
13. Bitter, L. (2024). Banking Crises Under a Central Bank Digital Currency (CBDC). *Journal of Economics and Statistics*. <https://orcid.org/0000-0003-4148-3718>
14. Blattner, L., Luisa, F., and Francisca R. (2019). "When losses turn into loans: the cost of undercapitalized banks, European". *Central Bank Working Paper*, No 2228/January 2019.
15. Belkhir M. Naceur, S. B. Candelon, B. Wijnandts J-C. (2022). Macroprudential policies, economic growth and banking crises. *Emerging Markets Review* 53, 100936
16. Dang, V. D., & Huynh, J. (2022). Bank Funding, Market Power, and the Bank Liquidity Creation channel of Monetary Policy. *Research in International Business and Finance*, 59 101531.
17. Flanagan, T., (2019). Amiyatosh, "Why Do Banks Hide Losses?". *New York University*.
18. Ghosh A. (2015). "Banking-industry specific and regional economic determinants of non-performing loans: Evidence from us states". *Journal of Financial Stability*, No. 20, pp. 93–104.
19. Gulati R., Goswami A. and S. Kumar (2019). "What drives credit risk in the Indian banking industry? An empirical investigation". *Economic Systems*, No. 43, pp. 42–62.
20. Haan, J.; Fang, Y. & Jing, Z., (2020). "Does the risk on banks' balance sheets predict banking crises? New evidence for developing countries". *International Review of Economics & Finance*, 68: 254-268.
21. Klein N. (2013). "Non-performing Loans in CESEE: Determinants and Impact on Macroeconomic Performance". IMF Working Paper, pp. 01-27
22. Kristóf, T., & Virág, M. (2022). EU-27 bank failure prediction with C5. 0 decision trees and deep learning neural networks. *Research in International Business and Finance*, 61, 101644.
23. Makri V., Tsagkanos A. and A. Bellas (2014). "Determinants of non-performing loans: The case of Eurozone". *Panoeconomicus*, No. 61, pp. 193–206.
24. Mazarei, A. (2019). Iran has a slow motion banking crisis. *Peterson Institute for International Economics*.
25. Nkusu M. (2011). Non-performing Loans and Macrofinancial Vulnerabilities in Advanced Economies. IMF WP/11/161.
26. Rinaldi L. and A. Sanchis-Arellano (2006). "Household debt sustain-ability: What explains household non-performing loans?". An empirical analysis, ECB Working Paper, No. 570

Banking System Imbalance and ways to get out of it

Syed Ramin Mousavi^{*1}

Abstract

One of the most important subsystems of any economic system is the monetary and banking system, which has strong effects on the entire economic system and also affects other components of the economic system and can cause instability in the country's macroeconomics, hence the reason for examining the developments of this The subsystem appears to be periodically necessary. The remarkable thing about the relationship between the state of banks and the instability of the country's macroeconomics is that the existence of non-performing banks practically imposes the sustainability of liquidity growth at a higher than average level to the country's economy, and it is clear that higher liquidity growth will lead to higher inflation in the long run. . Therefore, a part of the solution to the problem of inflation control is to solve the extremely unhealthy banks and find a solution to the imbalance of the banks. Among the ways out of the banks' dissatisfaction, attention is paid to policies such as boldly reforming the management structure, improving the conditions of corporate governance by the banks, managing the budget deficit by the government, and improving the supervision of the banks by the central bank.

Keywords

Banking System Imbalance, Banking System.

1. Accounting Doctoral Student, Mobarakeh Azad University, Isfahan, Iran. (*Corresponding Author: Raminmousavi1990119@gmail.com).